

آشوکا، امپراتور بزرگ هند (حک: ۲۷۳-۲۳۲ یا ۲۶۲-۲۳۸ ق.م).

وی سومین پادشاه دودمان موریای^(۱) و هم عصر دو تن از فرمانروایان سلوکی در ایران بود که پس از قبول آیین بودایی به نشر دعوت بودایی در جهان و اصلاح و تهذیب آن کیش اقدام و در رسایل بودایی تجدید نظر کرد. عصر طلایی آشوکا شاهد رواج افکار بودایی در شرق ایران و تداوم نفوذ هنر، فرهنگ و سیاست ایران در هند بود.

حوادث سلطنت آشوکا در فرمانهایی بر روی تخته سنگ و ستونهای تراشیده از سنگ نقر شده است. این فرمانها در نواحی مختلف امپراتوری و در معرض انظار عمومی نصب شد و در آنها مردم به پیروی از آموزه‌های اخلاقی دهرمه^(۲) (دینداری، پرهیزکاری) و عمل بدان دعوت می‌شدند. ۱۴ فرمان شاهی روی تخته سنگ (رویال ادیکت)^(۳) و ۷ فرمان روی ستون (پیلارادیکت)^(۴) مهم‌ترین اسناد دوران حکومت این پادشاه است. افزون بر این در متون بودایی نزدیک به زمان او نیز اخباری درباره آغاز عمر و دوران جوانی وی آمده است (I.G., 2/42-43, 283؛ مجموعدر، 2/71-72)، اما در منابع یونانی و لاتینی که به نیا و پدر آشوکا پرداخته از خود او نام برده نشده است (با شام، 466).

آشوکا فرزند بیندوسارا^(۵) و نوه چاندراگوپتا^(۶) بنیانگذار دودمان موریای است. وی پیش از نشستن بر تخت شاهی چندی در اوچین^(۷) و تاکسیلا^(۸) نایب‌السلطنه بود. گویا در مورد جانشینی او از طرف برخی از برادران و نزدیکانش مخالفتهایی ابراز می‌شد و به همین دلیل تاجگذاری او ۴ سال بعد از به پادشاهی رسیدن وی صورت گرفت (مجمودر، 2/72).

پایتخت این پادشاه در پاتلی پوترا^(۹) (پتنه امروزی در استان بیهار) واقع بود. قلمرو پادشاهی او بسیار گسترده و سراسر شبه‌قاره هند جز بخشهای جنوبی و احتمالاً قسمتهایی از سند و بنگال را فرا می‌گرفت. بیشتر اراضی کنونی افغانستان از جمله سرزمینهای باستانی کابل، هرات، قندهار و نیز قسمتهایی از بلوچستان جزء امپراتوری او بود (همو، 2/77-78؛ کاسپاریس، 779). آشوکا در واقع قدرتمندترین پادشاه زمان خود بود (باشام، همان‌جا).

وی برای نشر آیین بودایی و قوانین مقدس دهرمه در جهان دستگاه تبلیغاتی بزرگی ایجاد کرد و مبلغانی به اطراف هند، ایران، ممالک غرب آسیا، اروپا و آفریقا فرستاد (I.G., 2/284-285). آن دسته که به ایران اعزام شدند، بیشتر در حدود شرقی در کرانه‌های سیر دریا، آمودریا، هیرمند و از سند و خراسان تا سیستان پراکنده گشتند و معابد و نوبهارهایی را در همه جا برپا کردند (مجمودر، 2/633). از گزارش زایران بودایی چینی که بعدها از این نواحی دیدن کردند، برمی‌آید که موضوعات دینی و مباحث غیر دینی با هم در این مراکز تدریس می‌شد (آی تسینگ، 105-106). در واقع زبان سنسکریت و علوم از طریق همین معابد از هند به شرق ایران منتقل می‌گردید و از همین طریق افکار بودایی بر آیین مانی اثر گذارد (مجمودر، همان‌جا).

شواهد بسیاری حاکی از استمرار نفوذ ایران در شیوه اداره امپراتوری، زبان دیوانی، معماری و پیکرتراشی در عهد آشوکا در دست است. این پادشاه در جوانی با نواحی ای آشنا شده بود که از زمان کوروش و داریوش اول هخامنشی بیش از دو سده (۵۰۰-۳۳۰ ق.م) جزء قلمرو آن دودمان بود. شهر هخامنشی تاکسیلا به احتمال زیاد پایتخت شرقی ناحیه باستانی قندهار، یکی از سه استان هخامنشی در هند بود (چتوپدیایا، 17). این خطه بعدها طی قراردادی میان سلوکیان و چندراگوپتا به دودمان موریای واگذار شد. هر تسفلد (ص 345) از ساکنان ایرانی این ناحیه که به طور عمده به پرورش اسب می‌پرداختند، یاد کرده است. نام این مردمان در فرمانهای شاهی پنجم و سیزدهم آشوکا نیز آمده و نشان می‌دهد که آنان همچنان در آن نواحی می‌زیستند (همو، 4).

یافته‌های متعدد باستان‌شناختی نیز حاکی از تداوم

1. Maurya or Mauryan
2. Dharma
3. Royal Edict
4. Pillar Edict
5. Bindusara
6. Chandragupta
7. Ujjain
8. Taxila
9. Pataliputra

داده شده است، وجوه مشترک بسیاری با کاخهای هخامنشی دیده می‌شود (نک: آشوکا، تالار؛ ویلر، 127-133؛ مجومدر، 2/508؛ فوسمن، 780). شایان ذکر است که نفوذ ایرانی به بناهای درباری و به پایتخت محدود نمی‌شد. آشوکا برخی جنبه‌های ابنیه مذهبی سنگی را که نزدیک هزار سال در هند مرکزی تداول داشت از ایران گرفته و برای سازگاری با محیط هند عناصری بومی بدان افزوده بود (ویلر، 134). تأثیر پیکرتراشی ایرانی در ستونهای آشوکا و به‌ویژه در سر ستون مشهور یافت شده در سرنات^(۵) نیز به‌روشنی دیده می‌شود (همو، 138-140).

منابع:

Basham, A.L., "Aśoka", *The Encyclopedia of Religion*, ed. Mircea Eliade, New York 1987; Casparis, J.G., "Aśoka I-The Life and Teaching of Aśoka", *Iranica*, vol. 2; Chattopadhyaya, S., *The Achaemenids and Iran*, New Delhi 1914; Herzfeld, E., *The Persian Empire*, Wiesbaden 1968; Harmatta, J., "Languages and Scripts in Greeco-Bactria and Saka Kingdoms", *History of Civilizations of Central Asia*, Paris 1994; I-Tsing, *A Record of The Buddhist Religion as Practiced in India and Malay Archipelago*, London 1966; Majumdar, A.K., *The Age of Imperial Unity*, Bombay 1968; Fussman, G., "Aśoka II-Aśoka and Iran", *Iranica*, vol. 2; Wheeler, M., *Flames over Persepolis*, London 1968.

عبدالشکور احسن - آذرمیدخت مشایخ فریدنی

شیوه‌های دیوانی هخامنشی در حدود غربی امپراتوری موریای و اراضی هم مرز با ایران است. یکی از نخستین گواهان این امر ستون ۸ گوشه‌ای از سنگ مرمر سفید است که در تاکسیلا یافت شده و فرمانهای آشوکا به‌خط آرامی روی آن نوشته شده است. این کتیبه در ضمن نشان می‌دهد که خط خرُشتی^(۱) از خط آرامی پدیدار شده است (همو، 55). هارماتا (397-398) از پنج مورد دیگر از این کتیبه‌ها که تاکنون یافت شده نام برده است: کتیبه سنگی پل دارونته^(۲) فرمان شاهی بر تخته سنگ و کتیبه سنگی در قندهار؛ دو کتیبه سنگی (میل شمار) در لاگمن^(۳). وی با نقل نمونه‌هایی از متون یاد شده برخی واژه‌های ایرانی آنها را برشمرده که از آن جمله است: Ptyty (پشیمانی)، adbšy (سیتزه‌جو)، šty (شادی)، Zwny (جانداران)، Ptyzbt (ناشایست). برخی واژه‌های کهن ایرانی نیز به‌طور مکرر در کتیبه‌های آشوکا به‌کار رفته است، مانند dipi- (کتیبه - به مفهوم سَند)، nipis (نوشتن). برای نمونه، عبارت ayi Dhammadipi nipista از یکی از کتیبه‌های یاد شده، به‌طور کامل با عبارت کتیبه داریوش: imam dipim inipishtanaiy مطابق است. در کتیبه‌هایی که به‌خط برهمی^(۴) است به‌جای dipi- واژه lipi- آمده است (چتوپدیایا، 62).

آشوکا از جهاتی دیگر نیز شاهان هخامنشی را سرمشق خود قرار داده بود. برای نمونه پیش از او کردن فرمانهای شاهی بر کوهپایه‌ها و ستونها در هند معمول نبوده است. همچنان‌که استفاده از عبارت «شاه چنین می‌گوید» که فرمانهای هخامنشیان با آن آغاز می‌شد نیز پیش از این پادشاه در هند سابقه نداشته است (همان‌جا؛ I.G., 2/42).

پژوهشهای جدید نشان داده که یکی از راههای انتقال هنر ایران به‌امپراتوری موریایی مهاجرت صنعتگران و معماران از شوش، اکباتان و پرسپولیس به هند بوده است. پس از حمله اسکندر به ایران و در اوضاع مشوش و آشفتۀ این سرزمین، امپراتوری مذکور، یگانه قدرت در آسیای غربی بود که می‌توانست محیطی مساعد برای جذب این هنرمندان فراهم آورد. درحقیقت ساخت بناهای بزرگ و باشکوه پیش از موریاییها در هند سابقه نداشته است. در ویرانه‌های کاخ پاتلی‌پوترا که بنای آن به چندراگویتا، بیدوسارا و آشوکا نسبت

1. Khroshti

2. Pul-i Darunta

3. Laghman

4. Brahmi

5. Sarnath